

سومین انتفاضه؟ علل احتمالی مجدد درگیری اسرائیل و فلسطین!

نویسنده: دانیل بایمن

ترجمه: رضا فضلعلی

(۷ فوریه ۲۰۲۳)

از زمان فروپاشی انتفاضه دوم در سال ۲۰۰۵ (قیام بزرگ و پایدار فلسطین)، مناقشه اسرائیل و فلسطین نیز کم رنگ تر شده است. حماس توسط گروهها و افراد مسلح فلسطینی، حملات تروریستی را در کرانه باختری بشکل جنگ های مینیاتوری (ظریف و کوچک) در نوار غزه آغاز کرد، که با واکنش شدید نظامی اسرائیل مواجه شده است. البته فلسطینی ها به روش های دیگری نیز مقاومت کرده اند: راهپیمایی، اعتراض و پرتاب سنگ! اگر چه توافق از طریق مذاکره دورتر از همیشه به نظر می رسد، لیکن علی رغم خشونت های شدید، هر دو طرف از درگیری هایی که به دامنه و گستردگی انتفاضه دوم برسد، اجتناب نموده اند.

در این دوره ظاهراً چشم انداز در سال ۲۰۲۳ با افزایش کشمکش و تحولات خطرناک از هر دو طرف اسرائیلی و فلسطینی، تاسف بار به نظر می رسد. در ۲۷ ژانویه، تروریست ها (فلسطینی ها) با حمله به کنیسه ای در اورشلیم هفت نفر را کشتند، که یکی از مرگبارترین حملات به اسرائیلی ها در سال های اخیر است. این یورش پس از حمله اسرائیل به اردوگاه پناهندگان در چنین انجام شد که به صورت غیر عادی و افزایشی به کشته شدن ۹ فلسطینی منجر شد، اساس خشونت اخیر بر پایه های مرگباری بنا شده است.

مرگبارترین سال از زمان انتفاضه دوم در اسرائیل و کرانه باختری در سال گذشته بود. نیروهای اسرائیلی در کرانه باختری و در محله های فلسطینی بیت المقدس شرقی ۱۵۱ فلسطینی را کشتند که تقریباً دو برابر سال ۲۰۲۱ است. در غزه، ۵۳ فلسطینی در درگیری بین اسرائیل و جهاد اسلامی، (گروهی تروریستی)، کشته شدند. اسرائیل بیشترین تلفات خود را در سال های اخیر متحمل شد. بطوریکه در حملات فلسطینی ها، ۳۱ اسرائیلی کشته شدند. ارتش اسرائیل ادعا می کند که فلسطینی ها به جز پرتاب سنگ، حمله با کوکتل مولوتف و بمب گذاری های وحشتناک، تقریباً ۳۰۰ بار به سوی سربازان اسرائیلی شلیک کرده اند، که در مقایسه با ۶۱ بار در سال ۲۰۲۱ و ۳۱ بار در سال ۲۰۲۰ افزایش چشمگیری داشته است.

لازم به یادآوری است، سازمان ملل متحد در تجزیه و تحلیل هفتگی نوامبر ۲۰۲۲ هشدار داده بود که درگیری

اسرائیل و فلسطین "دوباره به نقطه اوج رسیده است". **آمیت سار**، از مقامات ارشد اطلاعاتی اسرائیل، پیش بینی کرده که خشونت در کرانه باختری (به جز غزه) به عنوان دومین چالش بزرگ اسرائیل در سال ۲۰۲۳، تحت اختیار و تهدید دائمی ایران، قرار خواهد گرفت. او نه تنها هشدار داد که خشونت در حال افزایش است، بلکه پایه های مدیریتی نیز در حال تبدیل شدن به "بی ثباتی و ناپایداری" است. روابط نهاد امنیتی حاکم، تشکیلات خودگردان فلسطین، در کرانه باختری، با اسرائیل در حال کاهش است. مردم فلسطین به علت عدم پیشرفت در روند سیاسی و وعده های پوچ به استقلال فلسطین، از گروه ها و رهبران سنتی، مانند **محمود عباس**، رئیس تشکیلات خودگردان و گروه فتح، حزبی که مدت ها بر سیاست فلسطین تسلط داشته، و خشونت را مردود می دانند نیز ناامید شده اند. **بنیامین نتانیاهو** نخست وزیر اسرائیل در یک حرکت نگران کننده دیگر، دسامبر ۲۰۲۲، در دولت جدید شهرک نشینان، افراط گرایان سیاسی و نژادپرستان را در سمت های کلیدی ناظر بر کرانه باختری قرار داد، که منجر به نتیجه ای ناامیدکننده و غیر قابل اجتناب، تا بیشتر از سال های گذشته احتمال انتفاضه سوم، را افزایش دهد.

سایه گذشته

تا به امروز شکل سیاست، بین اسرائیلی ها و فلسطینی ها هنوز میراث دار انتفاضه دوم می باشد. مابین تاریخ سالهای ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ تا ۸ فوریه ۲۰۰۵، ۱۰۳۸ اسرائیلی و ۳۱۸۹ فلسطینی کشته شدند. در این مدت، نیروهای اسرائیلی بیش از ۴۰۰۰ خانه فلسطینی را تخریب و هزاران فلسطینی را دستگیر کردند. اسرائیل همچنین وزارتخانه ها و زیرساخت های اهالی فلسطین را تعطیل و بمباران کرد تا رهبران فلسطینی را مجبور به پایان دادن خشونت کند.

انتفاضه دوم که احتمال تکرار آن هم می باشد، به دلیل ترکیب برخی از عوامل خاص در زمان مورد نظر، ملتهدب و شعله ور شد. **آریل شارون**، رهبر اپوزیسیون و سیاستمدار وقت اسرائیل، که از نظر بسیاری از فلسطینی ها جنایتکار جنگی است؛ با بازدیدی تحریک آمیز و عمدی از مکانی (بیت المقدس) که یهودیان، آنرا "معبدی مقدس" می نامند و بین مسلمانان به عنوان "حرم الشریف" شناخته می شود، باعث آشوب و فتنه شد. فلسطینی ها در واکنش به این دیدار دست به اعتراض و شورش زدند، که با سرکوب شدید اسرائیل که به نوبه خود باعث کشته شدن تعداد زیادی از فلسطینیان شد، را بدنال داشت، و باعث شروع چرخه مرگبار اعتراضات بیشتری گردید.

به طور کلی، در نهایت با اینگونه روند صلح بین اسرائیل و فلسطین، امیدی که ابتدا در فلسطینی ها برای استقلال ایجاد شده بود، با ناامیدی و بن بست همراه شد. این مذاکرات منجر به ایجاد تشکیلات خودگردان، توسط **یاسر عرفات**، رهبر دیرینه فلسطین و از مقامات فتح، سازمانی که او بنیانگذارش بود، گردید. اسرائیل با کمک تشکیلات

خودگردان در دهه ۱۹۹۰، حماس را شکست داد، البته اسرائیل و ایالات متحده به گونه ای دیگر به فساد و نقض حقوق بشر عرفات و یارانش نظاره گر بودند.

فلسطینی ها معتقد بودند که اسرائیل با پافشاری بر خواسته های خود، و خودداری از دادن امتیاز، تأخیر در انتقال اراضی، مذاکرات را طولانی، و اقتصاد فلسطین را از طریق محدودیت های مرزی و مسافرتی تضعیف و ویران می کند.

گروه های حماس و فتح از این احساسات سوء استفاده کردند. در حالی که مذاکرات صلح در دهه ۱۹۹۰ به بن بست رسید، هنگامی که مذاکرات کمپ دیوید در سال ۲۰۰۰ با شکست مواجه شد، در زمان مناسب، با اطلاع عرفات، و سوء استفاده برخی از گروه های فلسطینی برای درگیری آینده، مسلح شدند. گروهی امیدوار بودند که با خشونت، اسرائیل را وادار به دادن امتیاز کنند. همچنین عناصر افراطی تر معتقد بودند که می توانند از تروریسم برای بیرون راندن اسرائیل از کرانه باختری و غزه به طور کامل استفاده کنند. اغلب این گروه ها برای نشان دادن هدف خود به مردم عادی فلسطین با یکدیگر رقابت می کردند و به اسرائیل حمله می کردند. این خشونت ها با حمایت و علاقه مندان خارج از اسرائیل نیز مواجه شد. برای نمونه مردم عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی و مسلمان کمک های مالی برای خانواده های بمب گذاران انتحاری فلسطینی ارسال می کردند.

با افزایش منازعات، بسیاری از اسرائیلی ها به این باور رسیدند که عرفات تمایلی به برقراری صلح ندارد و گرایش فلسطینی ها به طور کلی به خشونت است، در نتیجه مذاکرات همیشه ساختگی و ظاهری است. لذا اواخر دهه ۱۹۹۰ آخرین باری بود که اسرائیلی ها و فلسطینی ها به صلح امید واقعی داشتند. فلسطینی ها به نتیجه مشابهی در جهت مخالف رسیدند و روند صلح را راهی برای تحکیم اشغال سرزمین های فلسطینی و اسرائیل می دانستند. لذا علی رغم امتیازاتی که اسرائیل در کمپ دیوید ارائه کرد، معتقد بودند که آنها برای شکست خوردن در کمپ دیوید ساخته شده بودند.

با اینکه عرفات طراح خشونت در سال ۲۰۰۰ نبود، اما سعی داشت که از آن سوء استفاده کند و با تکیه بر محبوبیت و شخصیت خود اطمینان حاصل کند که هیچ رقیب قدرتمندی در بین رهبران شبه نظامی برای به چالش کشیدن او ظاهر نخواهد شد. او معتقد بود بدون اینکه رهبری او تحت الشعاع قرار گیرد، می تواند از حماس بهره برداری لازم را انجام دهد، به هر حال خیلی زود خشونت از کنترل او یا هر فرد دیگری خارج گردید. واکنش وحشیانه ضد تروریسم اسرائیل، زیرساخت های نهادهای فلسطین و همچنین حماس و جناح های مختلف فتح را ویران کرد، بطوریکه توانایی آنها برای حمله به اسرائیلی ها را کاهش داد. به علت اینکه تشکیلات از هم پاشیده شده بودند، برای رهبران فلسطین کنترل رفتار خشونت دشوارتر شد.

انتفاضه دوم پس از چندین سال خونین، بتدریج خاموش و کمرنگ شد. بیشتر گروه های مسلح فلسطینی، از جمله

حماس، در سال ۲۰۰۵ آتش بس اعلام کردند، با اینکه سال‌های بعد، منازعات به طور پیوسته کاهش یافت و در نهایت گروه‌های دیگری مانند گردان‌های شهدای الاقصی، آتش بس را پذیرفتند، مذاکرات با رفتارهای که نیروهای اطلاعاتی و نظامی اسرائیل، با کشتن تروریست‌های مظنون، جمع‌آوری اطلاعات درباره گروه‌های مسلح فلسطینی، اشغال مجدد شهرهای کرانه باختری، دستگیری تعداد زیادی از فلسطینی‌ها، ایجاد ایست‌های بازرسی در سراسر کرانه باختری، و ایجاد دیواری که تقریباً از خط سبز سابق بین کرانه باختری و اسرائیل پیروی می‌کرد، انجام دادند، (قبلاً نیز حصار در مرز غزه ساخته بودند)، لیکن به خشونت پایان ندادند. عرفات در سال ۲۰۰۴ درگذشت و جانشین او، محمود عباس، خشونت را کنار گذاشت، در ادامه با گذشت زمان، گروه‌های مسلح فلسطینی ضعیف و از جنگ خسته شدند.

بعد از آتش بس سال ۲۰۰۵، نیروهای اسرائیلی از غزه عقب نشینی کرده و حرکت در مرز غزه و اسرائیل را به شدت محدود کردند. آنها به طور یک جانبه عقب نشینی کردند، به طوری که عباس و تشکیلات خودگردان نتوانند با ادعای اینکه مذاکره برای خروج موفقیت آمیز بوده، برای خود اعتباری کسب کنند. حماس به سرعت اعلام پیروزی کرد و به شکلی قابل باور و قانع کننده ای، استدلال کرد که حملات باعث خروج اسرائیل شده است، نه مذاکرات صلح! در انتخابات ۲۰۰۶ فلسطین، حماس پیروز شد و قدرت را در غزه سال ۲۰۰۷ به دست گرفت و بدین صورت اختلاف و شکاف بین غزه و کرانه باختری و همچنین بین حماس و رهبران تشکیلات خودگردان فتح را تشدید کرد.

در سال‌های بعد، عباس و تشکیلات خودگردان اغلب به دستور سرویس‌های امنیتی اسرائیل عمل می‌کردند و در ازای حمایت اسرائیل به سرکوب حماس و دیگر گروه‌های خشونت گر کمک می‌کردند. اسرائیل همچنین علاوه بر اطلاعات فراوان، در برخی مواقع حضور نظامی نیز در کرانه باختری داشت. عباس مورد حمایت ایالات متحده بود، علیرغم سوابق ضعیف تشکیلات خودگردان در زمینه حقوق بشر و عدم مشروعیت، و در رابطه با مشکل به تعویق انداختن مکرر انتخابات، با ادامه خشونت در غزه، بحران حادث شد. اغلب اوقات اسرائیل در پاسخ به حملات موشکی حماس، عملیات نظامی تمام عیار را در آنجا آغاز می‌کرد. در جریان این عملیات، نیروهای اسرائیلی سعی داشتند تا رهبران فلسطینی را در غزه به قتل رسانده، تونل‌ها را تخریب و زیرساخت‌ها را بمباران کنند (گاهی بصورت عمدی و گاهی نیز به عنوان آسیب‌های جانبی). اسرائیل با افزایش اعمال محدودیت‌های شدید کالاهایی که به غزه وارد و یا از آن خارج می‌شدند، فشار بیشتری بر اقتصاد ضعیف آن وارد می‌کرد.

راست افراط گرا

آخرین باری که اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها امید واقعی برای صلح داشتند اواخر دهه ۱۹۹۰ بود. از آن زمان، هر دو طرف به طور فزاینده‌ای به یکدیگر بدبین شدند. فلسطینی‌ها به تشدید اشغال و شهرک‌سازی‌های روزافزون به

عنوان دلیلی بر این امر اشاره می‌کنند که اسرائیل تمایلی به ترک کرانه باختری ندارد. اسرائیلی‌ها نیز خشونت انتفاضه دوم و به دست گرفتن قدرت حماس پس از خروج غزه را علتی می‌دانند که پاداش امتیاز دادن، مانند عقب نشینی از یک منطقه، خشونت بود. بر اساس مطالعه ای در اندیشکده موسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل، اکثر اسرائیلی‌ها معتقدند که "همیشه با شمشیر زندگی خواهند کرد" (آماده نبرد و مرگ). در یک نظرسنجی که توسط طرفداران راه حل با شاخص دو دولتی انجام شد، مشخص شد که در سال ۲۰۲۲، حمایت از صلح با مذاکره به پایین ترین حد خود از زمان آغاز این شاخص همانند احساس سیاستمداران در سال ۲۰۰۳ رسیده است.

بنابر نظر و ابراز تاسف یکی از مقامات سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف)، **مصطفی برغوتی**، در سال ۲۰۲۲ از اینکه در سال جاری این واقعیت مشخص شده که سیاستمداران نیز با کاهش حمایت مردم از گفتگوهای صلح و عدم روند و پیشرفت سیاسی، تمایلی به ادامه مذاکرات ندارند، و بجای آن با افزایش ستیزه جویی جمعی روبرو هستیم.

احتمالاً دولت فعلی اسرائیل، سیاستمدارانی که به دنبال گسترش حضور شهرک نشینان و ارتش اسرائیل در کرانه باختری هستند بر سر کار می‌آیند، فلسطینی‌ها را تحریک خواهد کرد. اگرچه نتانیاهو بیش از هر اسرائیلی دیگری به عنوان نخست وزیر بر سر کار بوده است، اما دولت فعلی او با دولت‌های قبلی اش متفاوت است. نتانیاهو به دلیل گرفتاری‌های حقوقی و اتهام فساد، اعضای دولت (ائتلافی) خود را بر اساس افرادی که مایل به یاری او برای جلوگیری از روند قضایی هستند، انتخاب کرده است. در نتیجه، او با مجموعه‌ای از چهره‌های راست افراطی مانند نژاد پرستان تندرو، متحد شده است. ایتمار بن گویر وزیر امنیت ملی، با یک سمت تازه تاسیس که حتی بر پلیس اسرائیل اقتدار دارد، و در سال ۲۰۰۷ به اتهام تحریک نژادپرستی و حمایت از یک سازمان تروریستی یهودی محکوم شد، قبل از ورود به دولت، در ائتلاف نشیمن خود تصویری از باروخ گلدشتاین، تروریست اسرائیلی آمریکایی که ۲۹ نمازگزار فلسطینی را در الخلیل سال ۱۹۹۴ به قتل رساند، آویزان کرده بود، انتخاب شده است. او کنترل نسبی بر عملیات روزانه اسرائیل در کرانه باختری را خواهد داشت، همان سرزمینی که اسموتریچ آشکارا پیشنهاد الحاق آن را داد.

چنین دولتی ممکن است محدودیت‌های استفاده از گلوله جنگی علیه معترضان و آشوبگران را نیز کاهش دهد! او قبلاً قول توسعه شهرک‌ها را هم داده است. برخی از وزرا با اعلام اینکه طرفدار قانونی کردن شهرک‌هایی هستند که به اصطلاح "گره‌های وحشی" معروف شده‌اند، می‌باشند، زمین‌های فلسطینی، که بدون تأیید دولت اسرائیل ساخته شده‌اند و دولت‌های قبلی اسرائیل اغلب آن‌ها را تعطیل کرده‌اند. شهرک نشینان در حالی که نیروهای نظامی اسرائیل ناظر هستند، مکرراً به فلسطینی‌ها حمله می‌کنند. به گفته سازمان ملل در برخی مواقع حتی آن را تسهیل هم نموده‌اند.

حرکتی برای جذب مخاطب

دولت قبلی اسرائیل، به ریاست نخست وزیران دوره ای نفتالی بنت و یایر لاپید، تا حدودی ملایم بود. حتی گام‌های کوچکی نیز برای بهبود اوضاع در کرانه باختری و غزه برداشت، تعداد نسبتاً زیادی مجوز برای کارگران غزه صادر کرد و شهرک‌سازی برنامه‌ریزی شده در بیت‌المقدس شرقی را لغو کرد. لیکن چنین حرکاتی در برابر خشونت سال گذشته بی‌فایده به نظر می‌رسید. در سال ۲۰۲۲، نیروهای امنیتی اسرائیل بیش از ۹۰۰۰ فلسطینی را زخمی کردند، بطوریکه بیش از ۳۰ نفر از ۱۵۱ فلسطینی که در کرانه باختری کشته شدند، کودک بودند.

گروه‌های مسلح جدید فلسطینی در کرانه باختری، به ویژه بریگادهای جنین در سال ۲۰۲۱ و لانه شیرها در سال ۲۰۲۲ ظهور کردند. گردان‌های جنین از سوی جهاد اسلامی فلسطین حمایت می‌شوند، اما جوانان فلسطینی از حماس، فتح و جبهه مردمی برای آزادی فلسطین نیز به این گروه پیوسته‌اند. گروه‌های جدید از دنبال‌کنندگان (فالوورهای آنلاین) قابل توجهی برخوردار هستند و از تیک تاک و دیگر شبکه‌های (پلتفرم) برای ارتباط به جوانان فلسطینی استفاده می‌کنند. نگرانی زمانی بیشتر شد، که اعضای فتح، همراه با گروهی که رهبری تشکیلات خودگردان را به عهده دارد، نیز در هم تنیده شده، به آن ملحق شده‌اند. در واقع، برخی از پدران آنها در تشکیلات خودگردان کار می‌کنند.

انعکاس این انشعاب باعث شد که اسرائیل به عنوان چالشی در انتفاضه دوم با آن روبرو شود، اسرائیل در مقطعی بدلیل اینکه تشکیلات خودگردان، نه می‌خواست و نه می‌توانست خشونت را سرکوب کند، دیگر نمی‌توانست به شریک فلسطینی خود اعتماد کند. امروزه اگر تعداد زیادی از اعضای جوان فتح از خشونت حمایت می‌کنند، ممکن است جناح صلح طلب را کنار گذاشته و سازمان را تحت فشار قرار دهند تا ستیزه جوتر (بدنبال جنگ) از قبل باشد. بریگادهای جنین و لانه شیرها سازماندهی ضعیفی دارند، و مهارت و قدرت فتح را در دوران مبارزاتی یا حماس امروزی ندارند. لیکن آنها با اعلام ساختار غیررسمی خود، برای خشونت سازماندهی نشده، آشفته و بی‌نظم اما گسترده مانند "حملات گرگ تنها". هر کسی را که به نام آنها عملی در راستای حرکتشان انجام دهد، می‌پذیرند. نارضایتی از تشکیلات خودگردان گسترده است. عملیات نظامی اسرائیل و تحرکات شهرک نشینان، مشروعیت تشکیلات خودگردان را تضعیف می‌کند و این سازمان را در بهترین حالت ضعیف و یا در بدترین حالت سرباز و عامل اسرائیلی نشان می‌دهد. رشد شهرک‌ها در کرانه باختری رود اردن نشان می‌دهد که تشکیلات خودگردان، (با اسرائیل) شریک بوده، یا حداقل راهی برای مخالفت ندارد.

شرکای جنایت

در واقع تشکیلات خودگردان به عنوان نیروی پلیس اسرائیل در کرانه باختری عمل می‌کند، بشکلی که رهبرانی

مانند عباس فکر می کنند، خشونت برای آینده فلسطینیان زیان بخش است. تشکیلات خودگردان همچنان به کمک های مالی اتحادیه اروپا و ایالات متحده دلگرم و متکی است، تنها در صورتی می تواند پولی دریافت کند که با تمام حملات به اسرائیل مخالفت کند. چنین حمایت های خارجی از تشکیلات خودگردان هنگامی صورت می گیرد، که مخالفان سیاسی افراطی تری که ممکن است عباس و طرفدارانش را برای قدرت به چالش بکشند، را سرکوب کند. تشکیلات خودگردان برخی از منتقدان را می پذیرد و گروهی را دستگیر، ضرب و شتم و شکنجه می کند. یکی از تاکتیک های مؤثر تشکیلات خودگردان تهدید آزادی و معیشت خانواده ها، مگر اینکه اعضا، فردی را از خشونت یا مخالفت با تشکیلات خودگردان بازدارند.

به هر حال، همانطور که بدرستی، یک گروه حقوق بشری فلسطینی هشدار داده است، "حمله های تقریباً روزانه در مناطق تحت کنترل خودگردان نشان می دهد که قدرت حاکمیت در تشکیلات وجود ندارد" تشکیلات خودگردان از نظر سیاسی ضعیف است. با وجود اسلحه های فراوان، برای یک فرد ناراضی، سهل و آسان بنظر می رسد که رفتاری خشونت آمیز داشته باشد. تشکیلات خودگردان فاقد قدرت و مشروعیت دموکراتیک است. در واقع، عباس از ترس شکست در پای صندوق های رای، انتخابات پارلمانی سال ۲۰۲۱، را که مدت ها به تعویق افتاده بود، لغو کرد؛ زیرا برای او در صورت برگزاری انتخاباتی آزاد و منصفانه شانس زیادی وجود نداشت.

در واقع چندین ابهامی که در رابطه با فرآیند جانشینی عباس ۸۷ ساله وجود دارد، این است که مشخص نیست چه کسی جایگزین او می شود! برای فتح، برای تشکیلات خودگردان، و حتی برای ساف، که عباس در حال حاضر ریاست همه آنها را بر عهده دارد. این امکان وجود دارد که هر یک از این سازمان ها رهبر متفاوتی را انتخاب کنند. حتی امکان بحران جانشینی هم به دلیل تلاش جناح ها برای نفوذ وجود دارد.

فلسطینیان امید چندانی به نظام کنونی برای ارمغان ظهور استقلال ندارند. بیش از دو سوم آنان بر این باورند که راه حل دو دولتی، دیگر قابل اجرا نیست و بسیاری بیم آن دارند که دولت جدید اسرائیل بخش هایی از کرانه باختری و اورشلیم را ضمیمه کند. بیش از ۷۰ درصد فلسطینی ها طرفدار تشکیل گروه های مسلح مانند لانه شیرها هستند.

آیا تاکنون دیده شده است؟

امروزه وضعیت خطرناک بوده، و از بسیاری جهات با زمان وقوع انتفاضه دوم متفاوت است. نیروهای امنیتی اسرائیل نسبت به سال ۲۰۰۰ توانایی بیشتری دارند. آنها شبکه های اطلاعاتی گسترده ای را در سرتاسر کرانه باختری توسعه داده اند و استفاده از فناوری ها مانند: هوش مصنوعی، تجزیه و تحلیل های عظیم، اطلاعات مخابراتی و الکترونیکی را بهبود بخشیده اند. اسرائیل همچنان برای امنیت، کمتر به شرکای فلسطینی خود، متکی است.

اسرائیل در سال ۲۰۰۰ با پیشرفت مذاکرات صلح دهه ۱۹۹۰، به علت شدت وابستگی به همکاری با تشکیلات خودگردان اجازه داده بود، که بسیاری از اطلاعات جاسوسی جمع آوری شده خود را از بین ببرند. اگرچه اسرائیل همچنان با سرویس های امنیتی تشکیلات خودگردان همکاری نزدیک دارد، اما در حال حاضر ترجیح می دهد برای هر اقدامی به خودش متکی باشد.

در حال حاضر تصویر بین المللی نسبت به فلسطینی ها بدتر شده است. اگرچه هنوز در نظرسنجی ها، نشانه های حمایت گسترده عرب ها از آرمان فلسطین وجود دارد، لیکن بسیاری از دولت ها نسبت به ۲۰ سال گذشته خیلی کمتر از آن حمایت می کنند. به ویژه، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و سایر کشورهای خلیج فارس روابط خود را با اسرائیل عادی یا تقویت کرده اند. آنها دیگر از خشونت فلسطین حمایت نمی کنند، زیرا می ترسند که این خشونت باعث خشم ملت خودشان شود، در نتیجه همکاری آنها با اسرائیل را مشکل سازد. امروزه از بسیاری متحدان سابق فلسطینیان، فقط می توانند انتظار سکوت را داشت.

همچنین رهبران فلسطینی نگران خشونت هستند، محمود عباس می داند که بیشتر قدرت او به حسن نیت اسرائیل بستگی دارد، چرا که جناح های فتح یا رقبای آن خواهان رهبری جدید هستند. که کاملاً در تضاد با عرفاتی است، که از محبوبیت خود مطمئن بود و اعتقاد داشت که توانایی کنترل خشونت را دارد تا از آن بهره برداری کند. در واقع، بین دولت و جامعه فلسطین فاصله و از هم پاشیدگی ایجاد شده است و هرگونه بسیج گسترده، چه مسلحانه و چه غیر مسلحانه، دشوار خواهد بود.

غزه یک مکان آشکار نزاع و البته غیر قابل پیش بینی است. حماس همچنان دشمن اسرائیل و نسبت به درگیری های مختلف با اسرائیل در سال های پس از انتفاضه دوم، موشک های بزرگ تر و دوربردتری هم دارد. اما به نظر می رسد، رهبران آن کشمکش و نزاع گسترده تر را بی فایده می دانند و با تلاش برای کسب قدرت در غزه و رهبری فلسطین رقابت می کنند. اسرائیل در جهت بازدارندگی موثرتر به نقض آتش بس به سرعت پاسخ می دهد. بعد از آنکه اسرائیل در اوت ۲۰۲۲ اهداف جهاد اسلامی فلسطین در غزه را به شدت بمباران کرد، حماس از جنگیدن فاصله گرفت. با توجه به احتیاط کاری حماس، دولت قبلی اسرائیل به اهالی بیشتری از غزه اجازه کار در اسرائیل را داد، همچنین تلاش کرد، مثلاً، با اجازه دادن به تعمیر زیرساخت های آب و برق در نوار غزه بحران انسانی را کاهش دهد،

جرقه ها در حال اوج (شعله ور شدن خشونت)

به دلیل اینکه نیروهای امنیتی اسرائیل سعی می کنند بدنبال شناسایی روش های خشونت و افزایش امنیت باشند،

در نتیجه پیش‌بینی زمان وقوع خشونت دشوار است. بطوریکه گفته می‌شود، بازدیدهای مقامات بلند پایه از مکان‌های مذهبی مورد مناقشه، مانند بن‌گویر (وزیر امنیت اسرائیل) از کوه معبد در ژانویه، افزایش خطر برانگیخته شدن، خشم و اعتراض را در پی داشته است.

مانند همیشه، هنوز اورشلیم، نقطه درگیری و آتش افروزی باقی مانده است. شاید دولت جدید به یهودیان مذهبی اجازه دهد تا در کوه معبد نماز بخوانند یا محدودیت‌های مربوط به فعالیت‌های مذهبی یهودیان را کاهش دهد که موقعیت و وضع کنونی را که حتی در بدترین روزهای انتفاضه دوم دوام آورد را نقض هم می‌کند. اما چنین اقدامی به فلسطینی‌ها نشان می‌دهد که کنترل بر اماکن مقدس مسلمانان را از دست داده‌اند. علاوه بر این، احتمالاً دولت ساخت و ساز شهرک سازی در مناطق سنتی عرب نشین در اورشلیم یا نزدیک به اورشلیم را افزایش خواهد داد تا اگر مذاکرات در مورد مبادله اراضی از سر گرفته شود، برای همیشه نوع آمار جمعیتی را تغییر دهد تا در این مناطق دیگر فلسطینی‌ها نباشند.

در عین حال، احتمالاً حملات شهرک نشینان اسرائیلی علیه فلسطینی‌ها افزایش خواهد یافت. شهرک نشینان کاملاً بر این باورند که حتی اگر خشونت را آغاز کنند، دولت از حضور آنها حمایت می‌کند و ارتش و پلیس نیز از آنها دفاع خواهند کرد. احتمالاً چنین حمایت‌های دولتی باعث می‌شود، تا فلسطینی‌ها، برای دفاع از خود اسلحه به دست گیرند و مسیری خطرناک ایجاد شود.

خطر تشدید تنش در رفتار از هر دو طرف وجود دارد. برخی از رهبران جدید اسرائیل ممکن است سعی کنند از خشونت فلسطینیان، حتی در پاسخ به یک حرکت تحریک آمیز، برای جلب حمایت مردم اسرائیل از مواضع افراطی خود سوء استفاده کنند. به طور مشابه، اگر رقابتی برای جانشینی عباس وجود داشته باشد، رهبران حریص (قدرت طلب) فلسطینی ممکن است برای محکومیت اسرائیل و دعوت به ناآرامی بیشتر با یکدیگر رقابت کنند. همچنین حتی ممکن است که خشونت به دلیل یک حادثه کوچک و برنامه‌ریزی نشده رخ دهد: فیلمی که از یک سرباز در حال بدرفتاری با یک فلسطینی گرفته شده، مسابقه هل دادن ما بین شهرک‌نشین‌ها و فلسطینی‌ها که تشدید می‌شود، یا رویدادهای روزانه دیگر در یک مقطع زمانی که مردم در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، اتفاق بیافتد. احتمالاً اگر نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان از همکاری با اسرائیل دست بردارند، مشکلات از کنترل خارج شده، و بدین ترتیب، رهبران اسرائیلی و فلسطینی باید آماده افزایش خشونت باشند.

احتیاط بیش از حد

اسرائیل تا زمانی که خشونت تداوم نداشته و تلفات اسرائیل کم باشد، نشان داده که می‌تواند به رویکرد فعلی خود

ادامه دهد. لیکن خطر خشونت بسیار واقعی تر از آن است، که بنظر می رسد، نه تنها جان اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها را تهدید می کند، بلکه روابط بین اسرائیل و کشورهای عربی را نیز تهدید می کند، جایی که توافق‌های صلح از قبل هم محبوبیتی نداشته است.

برای جلوگیری از این امر، توصیه به بازگشت به مذاکراتی که ممکن است در ازای تضمین‌هایی وسوسه انگیز، امنیت کشور فلسطین را تامین کند. اما مذاکرات موفقیت آمیز دهه گذشته بسیار طولانی بود، که امروزه غیرقابل قبول است. حتی اگر چنین شود، ایالات متحده به علت اینکه دولت بایدن میل و اشتیاق کمی برای تقابل و رویارویی با دولت جدید اسرائیل را دارد، احتمالاً در صورت تغییر سیاست اسرائیل یا فلسطین دوباره شکست خواهد خورد.

واقع بینانه ترین چشم انداز صرفاً مدیریت بحران است، به طوری که ایالات متحده، اردن و سایر طرف‌های ذینفع مرتباً برای عدم تشدید تنش‌ها به هر دو طرف فشار می آورند. در صورت امکان آتش بس موقتی با حماس باید حفظ شود و اگر حماس از سلاح‌های خود استفاده نکند، اسرائیل نیز به تسهیل شرایط در غزه ادامه دهد. اسرائیل و ایالات متحده همچنین باید با فلسطینی‌های خارج از منطقه (تحت نفوذ) عباس برای زمینه سازی کنار رفتن او در تعامل باشند. ایالات متحده با توجه به موفقیت توافق‌نامه ابراهیم، و توافق‌های عادی سازی بین اسرائیل و چند کشور عربی، باید از دولت‌های عربی بخواهد تا با فشار بر تشکیلات خودگردان و حماس از افزایش خشونت جلوگیری کنند.

رقابت ناشی از جانشینی عباس، خشونت روزانه در سطوح پایین، و الحاق خزنده و تدریجی مناطق فلسطینی، بالقوه همگی می توانند علت تشدید درگیری‌ها باشند، در حال حاضر حداقل، شانس بزرگ مسیر توافق، با مذاکره از بین رفته است. تلاش‌های ایالات متحده و دیگر متحدان اسرائیل برای جلوگیری از بازدیدهای تحریک‌آمیز و شهرک‌سازی‌ها در مناطق ملتهب نمونه‌ای از گام‌های متواضعانه‌ای هستند که ممکن است اغلب با شکست، هم مواجه شوند، اما می توانند باعث کاهش درگیری‌های گسترده‌تری شوند. برای جلوگیری از انتفاضه سوم، اسرائیلی‌ها، فلسطینی‌ها و شرکای آن‌ها باید به جزییات (هر چند کوچک) توجه کرده و هر روز در جهت جلوگیری از وقوع تمامی درگیری‌ها و آتش افروزی‌های احتمالی تلاش کنند، تا در صورت وقوع، با سرعت عمل، مانع فراگیری همه جانبه خشونت شوند.

منبع:

<https://www.foreignaffairs.com/israel/third-intifada-israeli-palestinian-conflict?>

جهت ارجاع علمی: دانیل بایمن، « سومین انتفاضه؟ علل احتمالی مجدد درگیری اسرائیل و فلسطین!»، مترجم: رضا فضلعلی، تاریخ انتشار در سایت مرکز: ۳۰/۱۱/۱۴۰۱